

بررسی نقش خانواده در جامعه‌پذیری ورزشی

سید ضیاء هاشمی، رامین مرادی

(تاریخ دریافت ۸۸/۳/۲، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۳)

چکیده: مطالعه پیرامون ورزش از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در این حوزه به مسائل متنوعی از جمله خشونت در ورزش، اقتصاد و ورزش، سیاست و ورزش و بسیاری دیگر از مسائل پرداخته می‌شود. در این مقاله ما به بررسی مسائل مربوط به جامعه‌پذیری ورزشی پرداخته‌ایم و بحث خود را روی عواملی متمرکز کرده‌ایم که سبب ورود فرد و ادامه فعالیت‌اش در عرصه ورزش می‌شود. مسئله تحقیق را این‌گونه بیان کرده‌ایم که: با توجه به نقشی که جامعه‌شناسان برای عوامل جامعه‌پذیری در روی آوردن افراد به ورزش قائل‌اند و نیز اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه‌پذیری افراد دارد، ورزش به‌عنوان یکی از الگوهای رفتاری چه تأثیری از عوامل جامعه‌پذیری، خصوصاً خانواده می‌پذیرد. روش انجام تحقیق پیمایشی بوده و نمونه تحقیق که ۴۰۰ نفر است از بین ورزشکاران باشگاه‌های ورزشی شهرستان اهواز انتخاب شده‌اند.

داده‌های تحقیق با استفاده از روش پیمایشی جمع‌آوری و با استفاده از آماره‌های متناسب در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان ورزشی بودن خانواده، حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی، نگرش خانواده در مورد ورزش و میزان پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده بر جامعه‌پذیری ورزشی افراد تأثیر مستقیم دارد.

مفاهیم کلیدی: جامعه‌پذیری ورزشی، خانواده، الگوهای رفتاری، نگرش‌ها.

مقدمه

امروزه ورزش در سطوح فردی، محلی، ملی و بین‌المللی در زندگی مردم از جایگاه مهمی برخوردار است؛ زیرا تماشا، بحث و اظهار نظر، طرفداری و تعصب و مشارکت فعال در رویدادهای ورزشی مربوط به افراد ورزشکار، تیم‌های محلی، رویدادهای ورزشی ملی و رقابت‌های بین‌المللی ورزشی چنان همه‌گیر و وسیع است که ابعاد گوناگون حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. از این‌رو هم متخصصان و هم افکار عمومی جایگاهی رفیع برای ورزش در فرایند حفظ سلامت و تندرستی قائل‌اند و در برنامه‌ریزی‌های کلان ملی نیز، ورزش جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است. تدوین انواع برنامه‌ها از سوی دولت‌ها برای ارتقای جایگاه ورزش در سطح جامعه و نیز انواع تبلیغات و اطلاع‌رسانی‌ها و برنامه‌های تخصصی برای متقاعد کردن عامه مردم برای روی آوردن به ورزش نشان از اهمیت ورزش در زندگی اجتماعی دارد. بنابراین مباحثی که پیرامون ورزش وجود دارند گسترده و متنوع هستند.

نکته قابل توجه پیرامون ورزش مربوط به نحوه ورود افراد به دنیای ورزش است. این‌که چگونه عده‌ای از افراد با میل و علاقه وارد این عرصه می‌شوند در حالی‌که برخی دیگر چنین مسیری را برای خود انتخاب نمی‌کنند. جامعه‌شناسان ورزش این موضوع را در قالب مباحث کلی جامعه‌پذیری مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند ورزشکار ذاتی و مادرزادی وجود ندارد. «وقتی گفته می‌شود برخی ذاتاً ورزشکار به دنیا می‌آیند می‌تواند سبب بدفهمی شود؛ زیرا صرف داشتن توان بدنی برای ورزشکار شدن کافی نیست. ورزشکار شدن دارای الزاماتی است که فرد باید علاوه بر توان بدنی آن‌ها را در جامعه فرا بگیرد» (اشنایدر، ۱۹۷۸: ۵۵). از این‌رو آن‌ها معتقدند کسانی‌که در جامعه توسط خود و دیگران به‌عنوان ورزشکار شناخته می‌شوند، نقش‌ها و الگوهای رفتاری خاصی را فرا می‌گیرند که جامعه‌پذیری ورزشی نامیده می‌شود. اشنایدر معتقد است «جامعه‌پذیری ورزشی عبارت است از فرایندی که طی آن کودکان و نوجوانان درگیر ورزش می‌شوند، نقش‌ها و الزامات آن را فرا می‌گیرند و آن را ادامه می‌دهند» (همان: ۵۷). بنابراین جامعه‌پذیری ورزشی فرایندی است که طی آن فرد با طی کردن مراحل مختلفی به‌عنوان ورزشکار شناخته می‌شود.

مباحثی که پیرامون جامعه‌پذیری ورزشی مطرح می‌شوند موضوعات مختلفی را شامل می‌شود: «این‌که چگونه بعضی از افراد با علاقه فراوان به انجام فعالیت‌های ورزشی یا تماشای رقابت‌های ورزشی می‌پردازند ولی دیگران چنین علاقه‌ای ندارند، چگونه عده‌ای خودشان را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسند و وقت و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی خاص می‌کنند و دیگران نیز آن‌ها را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسند، و سرانجام این‌که ورزش چه

تأثیری بر زندگی، خصوصیات، عقاید و رفتار فرد دارد» (هورن، ۲۰۰۰: ۸۲). عوامل مختلفی مانند رسانه‌ها، همتایان، خانواده و مدرسه در فرایند عمومی جامعه‌پذیری نقش دارند که در میان آن‌ها خانواده همواره از جایگاه قابل توجهی برخوردار بوده است. «هم تحقیقات و هم تجارب روزانه نشان می‌دهند که مهم‌ترین دستاوردهای دوره جامعه‌پذیری، فرآورده غیر رسمی و غیر عمدی کنش متقابل طبیعی بین والدین و کودک است. چون تجربه دوره کودکی اکنون به‌طور کلی به‌عنوان دوره‌ای که تأثیری قاطع بر شخصیت بزرگسالی و پرورش آن دارد، پذیرفته شده است. بنابراین خانواده را باید مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری دانست» (مور، ۱۳۷۶: ۳۱).

بر این اساس با توجه به این‌که جامعه‌شناسان، ورزشکار شدن را مستلزم نوع خاصی از جامعه‌پذیری تحت عنوان جامعه‌پذیری ورزشی می‌دانند و با توجه به اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه‌پذیری افراد دارد، هدف این تحقیق بررسی نقش خانواده در جامعه‌پذیری ورزشی افراد ورزشکار است و این هدف را با بررسی ورزشکاران هشت باشگاه ورزشی در شهر اهواز تعقیب کرده است.

مبانی نظری

نظریه‌ها می‌توانند ما را در تعریف مشکلات و مسائل مورد مطالعه یاری نمایند و چارچوبی را فراهم آورند تا در قالب آن بتوانیم سؤالات خود را طرح نموده و اطلاعات جمع‌آوری شده را تفسیر نماییم. از این‌رو آگاهی از نظریات جامعه‌شناسی و درک و فهم آن‌ها نقش چشم‌گیری در بررسی پدیده‌های اجتماعی مختلف دارد. بنابراین پیروی از نظریه در همه پژوهش‌های اجتماعی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. هرچه این نظریه‌ها دقیق‌تر و قابل فهم‌تر باشند به همان میزان می‌توان به نتیجه بخش بودن آن‌ها امید بیشتری داشت. «مطالعه جامعه‌شناختی ورزش قادر است خواننده را به ورای شناخت عمومی و عادی از ورزش سوق دهد. نگرانی در مورد جنبه انتزاعی و نظری جامعه‌شناسی ورزش به‌ویژه برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران طبیعی است. نگرانی مذکور آنگاه از بین می‌رود که گرایش‌های متنوع جامعه‌شناسی ورزش در ابعاد نظریه‌پردازی و روش‌های تحقیق شناسایی گردد» (مهرآئین، ۱۳۸۷: ۱۲).

در این تحقیق نظریه‌های مختلفی را که در جامعه‌شناسی ورزش وجود دارند مورد توجه قرار داده‌ام. یک دسته از این نظریه‌ها به صورت عام به موضوع جامعه‌شناسی ورزش پرداخته‌اند که عمده آن‌ها از سوی جامعه‌شناسان برجسته‌ای نظیر گیدنز، آدرنو، و بوردیو مطرح شده‌اند. دسته‌ای دیگر به صورت خاص‌تر به موضوعات مربوط به جامعه‌شناسی پرداخته‌اند. از آن‌جا که

موضوع این مقاله نیز، به یک بعد خاص و محدود، در مقایسه با موضوع کلی جامعه‌شناسی ورزش می‌باشد، بنابراین ضمن بررسی نظریه‌های عام مربوط به جامعه‌شناسی ورزش به نظریه‌های مربوط به موضوع با تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت.

ورزش در نظریات آدرنو

نظریه آدرنو در مورد ورزش در ارزیابی کلی او، برخاسته از نظمی اجتماعی است که در سطح بالایی از اداره و کنترل افراطی مشخص می‌شود. «آدرنو در بعضی مواقع نشان داده است که یکی از پیشگامان آکادمیک در مطالعه ورزش است» (دائینگ، ۱۹۹۹: ۲۴۲). آدرنو بیشتر اوقات ورزش را به‌عنوان شکلی از زیر مجموعه فرهنگ عامه می‌داند که امکان زیادی برای تحقیق درباره آن در عصر حاضر وجود دارد و کمتر آن را به‌عنوان یک نظم اجتماعی شبهه‌توالیتر تلقی می‌کند. نگرش آدرنو و همکاران فرانکفورتی او به موضوعات ورزشی عموماً همراه با یک بدبینی مفرط است؛ چراکه آدرنو به‌طور کلی درگیر محکومیت هر چیزی است که درباره فرهنگ و مدرنیته مطرح و شامل عناصر ورزشی نیز می‌شود. به‌نظر می‌رسد که رویکرد آدرنو متأثر از یک عیب‌جویی نخبه‌گرای ناپخته و خام از ورزش و دیگر اشکال فرهنگی است. از نظر آدرنو مسابقات و دیگر فعالیت‌های اوقات فراغت نه تنها نشان‌دهنده ابعاد صوری و بی‌محتوای زندگی جدید، بلکه جنبه‌هایی از جامعه مدرن هستند. در کار آدرنو، نگرش منفی درباره ورزش برابر با ماهیت منفی ورزش نیست، بلکه وی مخالف آن است و از طریق تأکید متداول بر حالت منفی پدیده، امیدوار است آن چیزی را نشان دهد که در ذات عناصر محتوایی ورزش ذاتاً مثبت هستند و احتمالاً در یک نگاه آرمان‌گرایانه می‌تواند آینده را نشان دهد. (مهرآئین، ۱۳۸۷: ۷۵).

بورديو و جامعه‌شناسی ورزش

مفاهیم محوری نظریه بورديو در تحلیل‌های جامعه‌شناختی ورزش، در قالب مفاهیم ساخت‌های جسمانی، میدان و سرمایه مطرح می‌شود. اشاره اساسی او این است که ورزش نمی‌تواند بدون ارتباط با تأثیرات اجتماعی و عادات فرهنگی دیگر و در انزوا درک شود. تحلیل‌های منسجم ورزشی بورديو، تفسیری تعیین‌کننده از مفاهیم سازمان‌یافته او را به‌دست می‌دهد. مثال‌هایی مانند برتری باشگاه‌های آراسته، ورزش‌های مربوط به تمرین سلامتی و مدیریت بدن در ورزش‌های جدید، بخشی از شاخص‌هایی است که در نظریه بورديو برای سرمایه فرهنگی معرفی شده است. این مثال‌ها ریشه در یک بازبینی فراگیر از تحقیق یا

آشکارسازی تحقیقات عمده تجربی جدید ندارد. آن‌ها ادبیات اکتشافی ساخته شده‌ای هستند که بر نوعی تفسیر که چهارچوب بوردیو آن را فراهم می‌آورد تأکید دارند (مهرآئین، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

نظریه کنش متقابل نمادین

نظریه کنش متقابل در ورزش با مسائل مربوط به معنی، هویت، روابط اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌ها در ورزش سروکار دارد. این رویکرد بر این عقیده استوار است که رفتار انسانی مستلزم انتخاب است و آن انتخاب بر مبنای تعریفی است که مردم در کنش متقابل با یکدیگر به آن شکل می‌دهند. براساس رویکرد کنش متقابل‌گرا، ما انسان‌ها صرفاً به صورت خودکار به محیط پیرامون پاسخ نمی‌دهیم، بلکه فعالانه درباره رفتارهایمان تصمیم‌گیری می‌کنیم. این تصمیم‌گیری مبتنی بر پیامدهایی است که این رفتارها برای زندگی ما، اطرافیان ما و دنیای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم دارند. علاوه بر این ما در کنش متقابل با دیگران هنجارها، نقش‌ها، روابط و ساختارهایی که جامعه را می‌سازند، خلق می‌کنیم. بر این اساس ما قادر هستیم که درک خودمان را گسترش دهیم و بفهمیم که چه کسی هستیم و چگونه با جهان اجتماعی ارتباط برقرار کنیم. این درک و توانایی در فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شود. «جامعه‌پذیری فراگرد پویایی است که به فرد اجازه می‌دهد تا ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های اجتماعی خود را متناسب با نیازها و موقعیت‌های نقش در حال دگرگونی سازگار گرداند» (راش، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

کنش متقابل‌گرایان در بررسی مسائل مربوط به جامعه‌پذیری ورزشی به دنبال بررسی شرایط و تجاربی هستند که در خلال آن ورزشکاران از خود تعریفی تحت عنوان ورزشکار به دست می‌آورند. اهتمام این رویکرد به بازسازی و توصیف واقعیت‌هایی است که در شکل‌گیری این تلقی و تعریف در ذهن ورزشکاران تأثیر می‌گذارند. در این رویکرد اهم مسائلی که درباره ورزش مطرح می‌شود، چنین است:

— افراد چگونه خودشان را ورزشکار تعریف می‌کنند و توسط دیگران به عنوان ورزشکار شناخته می‌شوند؟

— فرایندهایی که افراد را در ورزش درگیر می‌کنند، کدام‌اند؟

— خصوصیات خرده‌فرهنگ‌های ورزشی، چگونگی خلق این خصوصیات توسط مردم و تأثیر این خصوصیات بر هویت و رفتار افراد کدام‌اند؟ (کوکلی، ۲۰۰۱: ۳۸).

به این ترتیب سؤال محوری این است که فرد چگونه و تحت تأثیر چه عواملی خود را به عنوان یک ورزشکار یا کسی که در ورزش مشارکت دارد شناسایی می‌کند. «جامعه‌پذیری در

ورزش عبارت است از عوامل و شرایطی که طی آن کودکان و نوجوانان در ورزش درگیر می‌شوند، الزامات آن را فرا می‌گیرند و آن را ادامه می‌دهند.» (اشنایدر، ۱۹۷۸: ۵۷). هورن معتقد است زمانی که با رویکرد کنش متقابل به مطالعه مسائل ورزش می‌پردازیم باید به این موارد توجه داشته باشیم:

«۱. درگیر شدن در ورزش مستلزم شکل‌گیری فرایند ساخت و تقویت هویت است. درگیری در ورزش نتیجه ساده‌ارائه تشویق، تقویت یا فرصت‌هایی برای تمرین نقش‌ها نیست. شکل‌گیری هویت ورزشی در طول زمان رخ می‌دهد و بستگی به فرایندهای متعددی شامل: فراگیری شناخت درباره ورزش، سر و کار داشتن با گروه ورزشی، یادگیری ارزش‌ها و چشم‌اندازهای گروه ورزشی و بالاخره به‌دست آوردن پذیرش در آن گروه‌ها دارد، که در مورد آخر هویت مشارکت‌کننده در این گروه‌ها در طول زمان تأیید یا رد می‌شود.

۲. فرایند درگیر شدن در ورزش در اولین مرحله ورود تحت تأثیر حمایت‌هایی است که افراد از سوی دیگران مهم دریافت می‌کنند. درگیری در ورزش البته هرگز به صورت دائمی تثبیت نمی‌شود.

۳. رویکرد کنش متقابل‌گرا به جامعه‌پذیری، گستره‌ای از اشخاص و گروه‌ها را که در خلق مشارکت نقش دارند مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین تحلیل جامعه‌پذیری تلاش دامنه‌داری است برای تعیین معنایی که ورزش در زندگی مردم دارد.» (هورن، ۲۰۰۰: ۱۳۸-۱۴۰) این تحلیل البته علاوه بر فرایند ورود به عرصه ورزشی، چگونگی ماندگاری در این عرصه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. «جامعه‌پذیری ورزشی مستلزم طی کردن دو مرحله درگیر شدن^۱ و درگیر ماندن^۲ در ورزش است. درگیر شدن در ورزش عبارت از کسب شناخت و آگاهی از دنیای ورزش است. در این مرحله فرد در جریان کنش متقابل با اطرافیان خود می‌تواند به صورت مقدماتی با دنیای ورزش آشنا شود» (کوکلی، ۲۰۰۱: ۳-۸۳).

در مرحله درگیر ماندن در ورزش، فرد در جریان تعامل با دیگران خصوصاً ورزشکاران به نوعی برداشت از خود می‌رسد. برداشت از خود به‌عنوان ورزشکار مستلزم پذیرش فرد به‌عنوان ورزشکار از سوی دیگران مهم است. «فرد در جریان کنش متقابل با دیگران و براساس توانایی اجرای نقش‌هایی که می‌پذیرد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس اگر فرد در جریان ورود به یک گروه ورزشی بتواند الزامات نقشی مربوط به آن گروه را برآورده سازد از سوی آن‌ها به‌عنوان ورزشکار شناخته می‌شود که این امر در فرایند شکل‌گیری برداشت از خود نقش مهمی

1. Becoming involved

2. staying involved

ایفا می‌کند. در صورت شکل‌گیری برداشت فرد از خود به‌عنوان ورزشکار، فرد می‌تواند در عرصه ورزش موقعیت خود را تثبیت کرده و به‌عنوان ورزشکار به فعالیت خود ادامه دهد» (اسکمبلر، ۲۰۰۵: ۹۴).

بر این اساس می‌توان جامعه‌پذیری ورزشی را شامل مراحل دانشی دانست که فرد با طی کردن آن‌ها در ورزش جامعه‌پذیر می‌شود. به این ترتیب که «فرد در جریان تعامل با دنیای پیرامون خود با ورزش به‌صورت مقدماتی آشنا می‌شود، پس از آن براساس درک و تفسیری که از وضعیت خود (شامل خصوصیات و توانایی بدنی و امکانات و منابع مورد نیاز) دارد نسبت به ورود مقدماتی به عرصه ورزش جهت‌گیری می‌کند. در مرحله بعد، براساس داوری گروه ورزشی خاص در توانایی بر آورده کردن انتظارات و نقش‌های مربوط به آن رشته توسط فرد تازه‌وارد، وی به‌عنوان ورزشکار مورد شناسایی قرار می‌گیرد. با تداوم حضور فرد و ایفای نقش‌هایی که از فرد ورزشکار انتظار می‌رود، از خود به‌عنوان ورزشکار برداشتی به‌دست می‌آورد که یکی از مهم‌ترین مراحل جامعه‌پذیری ورزشی تلقی می‌گردد.» (همان: ۹۷).

نظریه کارکردگرایی

رویکرد کارکردگرایی، ورزش را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد و ارتباط و پیوستگی آن را با جامعه بررسی می‌کند. نسل اول کارکردگرایان، ورزش را بازتاب جامعه تلقی می‌کنند، ولی نسل دوم آن‌ها اگرچه از تز ورزش به‌عنوان آئینه جامعه دست کشیدند، در عین حال اهمیت ورزش به‌عنوان حوزه نهادی زندگی روزمره همچنان اهمیت خود را در تحلیل‌های آنان حفظ کرده است. تحلیل‌های روشن کارکردگرایانه از ورزش در جامعه همچنان در نوشته‌های هری ادواردز، کلینی هینلیا، گونتر لوشن و... دیده می‌شود. در میان این جامعه‌شناسان، لوشن جامعه‌شناس آلمانی که مدت زمان طولانی ساکن آمریکا بود، مؤثرترین فرد در پروراندن چارچوب نظریه کارکردگرایی در جامعه‌شناسی ورزش بود. اولین نوشته عمده‌ای که لوشن در چشم‌اندازی پارسونزی از جامعه‌شناسی ورزش ارائه داد (وابستگی‌های متقابل ورزش و فرهنگ) در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. در این مقاله لوشن ورزش را به‌عنوان یک نظام کنش در نظر گرفت، کارکردها و پویایی‌های ورزش در فرهنگ و جامعه را مورد بحث قرار داد و تحلیلی از نسبت ورزش و تحول فرهنگی ارائه نمود. طبق نظر لوشن در فرهنگ‌های اولیه کارکرد ورزش اغلب حول مذهب، جمع محور و برای تربیت و فراگیری مهارت‌های مرتبط با بزرگسالی و آمادگی جنگی بود، در حالی‌که کارکردهای ورزش مدرن ممکن است به‌طور ویژه برای حفظ

الگو و برقراری همبستگی اجتماعی در نظر گرفته شوند. ۱۵ سال بعد، لوشن یک تجزیه و تحلیل ساختاری از ورزش مبتنی بر نظام‌های داخلی و خارجی ورزش ارائه داد. او بر تحلیل مفهوم سازی‌های ساختار نظام ورزش به‌عنوان الگوی ساختاری بنیادی انسان و هستی اجتماعی تأکید کرد. اخیراً نیز لوشن مدعی نوعی ساختارگرایی به‌عنوان برنامه‌ای برای تحلیل ورزش در جامعه شده است.

جامعه‌پذیری از دیدگاه کارکردگرایان، همان کنترل درونی است که براساس آن، ارزش‌ها، هنجارها، و ایستارهای اجتماعی در یک نظام اجتماعی، ملکه ذهن کنش‌گران می‌گردند. از نظر تالکوت پارسونز به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز کارکردگرا، جامعه‌پذیری فعلیتی است که براساس آن نظام فرهنگی در نظام شخصیتی درونی می‌شود. «نظام شخصیتی در تئوری پارسونز از طریق جامعه‌پذیری به‌ایزاری تبدیل می‌شود که نظام اصلی از طریق آن به اهداف خود دست می‌یابد» (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۰). در نظریه پارسونز جامعه‌پذیری را می‌توان نوعی مشروط‌سازی در نظر گرفت. «فرد همچون موجودی وابسته به‌نظر می‌رسد که رفتار او چیزی جز تکرار الگوهای مکتسب در دوران کودکی نیست. در واقع پارسونز، اجتماعی شدن را تا حدودی همانند گونه‌ای تربیت در نظر می‌گرفت» (کوش، ۱۳۸۱: ۸۳).

دیدگاه مسلط کارکردگرایی تا پایان دهه ۱۹۷۰ مبتنی بر مدل کنش‌گر انسانی به‌عنوان لوح سفیدی بود که جامعه پیام‌هایش را بر روی آن حک می‌کند. فرض بر این بود که انسان‌ها موجوداتی منفعل‌اند که باید همچون تنگ آبی که پر می‌شود به آن‌ها نگریسته شود. در این مدل، شیوه‌های یادگیری نقش‌های ورزشی در جریان دریافت تشویق و تقویت‌های ناشی از رابطه با دیگران مهم در خانواده و همالان مورد توجه قرار می‌گیرد. «تحقیقات مبتنی بر مدل کارکردگرایی منجر به دو نتیجه می‌شوند:

۱. مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط ویژه‌ای با دریافت حمایت از جانب دیگران مهم دارد.

۲. نفوذ نسبی دیگران مهم و نیز میزان و نوع تشویق دریافت شده در نظام‌های اجتماعی، برای مشارکت یا عدم مشارکت در ورزش برحسب جنسیت، طبقه، نژاد، سن و فرهنگ متفاوت است» (هورن، ۲۰۰۰: ۱۳۸).

علاوه بر دو نظریه ذکر شده در بالا نظریه‌های دیگری نظیر رویکرد ترکیبی و مارکسیستی نیز در بررسی مسائل ورزش مورد استفاده قرار می‌گیرند که به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

نظریهٔ پیکره‌ای^۱ (ترکیبی)

رویکرد ترکیبی به جامعه‌شناسی توسط نوربرت الیاس آغاز شد. این رویکردی است که تمرکز آن، فراتر از هر چیز بر فرایندهای اجتماعی و وابستگی‌های متقابل ترکیب‌ها یا آرایش‌هاست. زمانی که این رویکرد راهنمای تحقیق باشد، چند مسئله به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. کدام عوامل تاریخی، اقتصادی، سیاسی، و... برای پیدایش ورزش مدرن در طول قرن ۱۸ و ۱۹ ضروری بودند؟
۲. کدام فرایندهای تاریخی و اجتماعی موجب رشد فزایندهٔ مشارکت ورزشی در زندگی مردم جدی شده است؟
۳. ورزش چگونه در قرن بیستم حرفه‌ای و تجاری شده است؟
۴. پویایی اجتماعی و تاریخی خشونت و تلاش‌هایی که برای کنترل خشونت در ورزش، خصوصاً در فوتبال صورت گرفته کدام‌اند؟
۵. روابط بین ورزش، هویت ملی و پویایی فرایندهای جهانی شدن که در آن‌ها مطبوعات، توسعهٔ اقتصادی و مصرف‌گرایی نقش بازی می‌کنند کدام‌اند؟» (کوکلی، ۲۰۰۱: ۴۷-۴۸).

نظریهٔ مارکسیستی^۲

نظریهٔ مارکسیستی بر روابط و فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان زیربنا و تأثیر آن‌ها بر دیدگاه‌های اجتماعی از قبیل سیاست و فرهنگ به‌عنوان روبنا تأکید می‌کند. ورزش چیز شگفت‌انگیزی است. خصوصیت عمده‌اش این است که به‌عنوان سرگرمی، انسان را از کار خلاص می‌کند، در حالی که هم‌زمان مردم را برای کار بیشتر آماده می‌کند. این نگاه کانونی گروهی از نظریه‌پردازانی است که کم و بیش تحت نفوذ نظریات مارکس قرار دارند. اگرچه مارکس خودش در مورد ورزش چیزی ننوشت، اما نظریه‌های بسیاری بر مبنای نظریات او شکل گرفتند.

«ورزش و فرایند شکل‌گیری آن به‌عنوان شیوه‌ای برای حفظ سرمایه‌داری دارای چهار مرحله است:

اول؛ ورزش به تربیت و سر به راه کردن نیروی کار کمک می‌کند. این امر باعث تشویق طبقهٔ

1. Figural theory

2. Marxist theory

کارگر به پذیرش نوع کاری است که در نظام سرمایه‌داری تقاضا می‌شود. سخت‌کوشی هم در ورزش و هم در کار مورد توجه است. دوم؛ ورزش به‌طور کامل تجاری شده است. ورزش مانند هر کالای دیگری تولید، بسته‌بندی و به توده مصرف‌کننده به قیمت گزاف فروخته می‌شود. سوم؛ ورزش به‌عنوان یک ایدئولوژی در جامعه سرمایه‌داری مطرح شده است. چهارم؛ سرانجام دولت وارد حوزه ورزش شده که این دخالت دولت به‌عنوان تلاشی برای حفظ منافع سرمایه‌داری از طریق ورزش تعبیر می‌شود» (کشمور، ۲۰۰۰: ۸۴-۸۵). لازم به توضیح است مبنای تئوریک این مقاله رویکرد کنش متقابل است. مفهوم محوری تئوریک این مقاله نیز مفهوم «جامعه‌پذیری ورزشی» به‌عنوان فرایند یادگیری و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی است که به‌عنوان چارچوب تحلیلی در مقاله مورد توجه و استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تجربی تحقیق

برای روشن شدن ابعاد بحث و دستیابی به شاخص‌های مناسب برای سنجش مسئله، نگاهی به تحقیقات مربوط به جامعه‌پذیری ورزشی می‌اندازیم. فرایند ورزشکار شدن: این تحقیق در سال ۱۹۹۹ توسط کریس استیونسون^۱ در انگلستان انجام شد. استیونسون علاقه‌مند بود بداند چگونه برخی از افراد ورزشکار می‌شوند. به‌عبارتی او مایل بود بداند چگونه افراد به صورت مقدماتی وارد دنیای ورزش می‌شوند و سپس به ورزش سازمان یافته و منظم می‌پردازند.

زمانی که استیونسون کار خود را با ورزشکاران کانادایی و بریتانیایی آغاز کرد، در ابتدا با شرح حال‌های متنوعی روبه‌رو شد. اما او دریافت اکثر این ورزشکاران دارای یک نقطه شروع قابل تشخیص، فرایند گسترش، و پایان مشابهی بودند. او متوجه شد فرایند ورود و درگیری مقدماتی نتیجه تصمیم آنی و لحظه‌ای نیست. رویکرد نظری او کنش متقابل نمادین بود. به‌زعم او مشارکت ورزشکاران در ورزش بستگی به فعالیت‌ها و تلاش‌های متفکرانه‌ای داشت که برای گسترش هویت‌شان به‌عنوان ورزشکار انجام می‌دادند. زمانی این اتفاق رخ می‌داد که دیگران مهم به آن‌ها احترام می‌گذاشتند و آن‌ها را به‌عنوان ورزشکار مورد شناسایی قرار می‌دادند. در این مرحله آن‌ها عمیقاً به ورزش و زندگی کردن به‌عنوان ورزشکار متعهد می‌شدند. استیونسون

1. Stevenson

دریافت، افراد بر مبنای بهره‌مندی از حمایت‌های اولیه‌ی دیگران مهم، رشته ورزشی ویژه‌ای را انتخاب می‌کنند و پس از آن و بر مبنای انگیزه‌ی کسب موفقیت و برقراری ارتباط با دیگر ورزشکاران تعهد خود را به ورزش گسترش می‌دهند.

متغیرهای اصلی در این تحقیق حمایت‌های دریافت شده از سوی دیگران مهم برای ورود مقدماتی به ورزش و پس از آن گسترش تعهد به ورزش است. دیگران مهم در تحقیق مزبور شامل خانواده، دوستان و همالان و معلمان ذکر شده‌اند. استیونسون در پایان تحقیق دریافت که فرایند ورزشکار شدن به‌طور خودکار اتفاق نمی‌افتد. جوانان خودشان به وقوع این رویداد کمک می‌کردند. درگیر شدن و درگیر ماندن در ورزش فرایند پیچیده‌ای است. جوانان متوجه شدند که نمی‌توانند بدون دریافت حمایت‌های اجتماعی در ورزش باقی بمانند و به ورزش بپردازند. آن‌ها می‌دانستند که منابع مورد نیاز برای مشارکت در ورزش ممکن است بر اثر تغییر در سایر جنبه‌های زندگی‌شان از دست برود و آن‌ها مجبور شوند چیز دیگری را جایگزین ورزش کنند. استیونسون معتقد است فرایند جامعه‌پذیری ورزشی، کنش متقابل است که براساس آن هرکدام از ما فعالانه در جامعه‌پذیری‌مان مشارکت می‌کنیم. (کوکلی، ۲۰۰۱: ۶۳-۶۷).

فرایند پذیرفته شدن به‌عنوان ورزشکار؛ تحقیقی است که در سال ۱۹۹۹ توسط پیترو دانلی^۱ و کوین یانگ^۲ انجام شده است. این دو جامعه‌شناس مطالعاتی در مورد ورزش تحت عنوان جهان‌های اجتماعی انجام داده‌اند. در این تحقیق هدف بررسی فرایندی است که مردم به عضویت یک خرده‌فرهنگ ورزشی در می‌آیند. مسئله اصلی تحقیق آن‌ها بررسی فرایندی بود که طی آن ورزشکاران در یک رشته ورزشی درگیر می‌شوند و سپس در آن ادامه فعالیت می‌دهند. به عبارتی آن‌ها متغیرهای اثرگذار بر عضویت در یک خرده‌فرهنگ ورزشی را مورد بررسی قرار دادند. یانگ و دانلی معتقد بودند جامعه‌پذیری ورزشی مستلزم گسترش فهم و تعهد ورزشکار به یک رشته ورزشی است.

براساس تحقیق دانلی و یانگ ورود و ماندن یک ورزشکار در یک خرده‌فرهنگ ورزشی مستلزم طی کردن چهار مرحله است ۱. کسب شناخت درباره‌ی ورزش ۲. ارتباط با کسانی که در ورزش درگیر هستند ۳. یادگیری این‌که مردم در مورد ورزش چه فکر می‌کنند ۴. شناخته شدن و پذیرش کامل در گروه ورزشی به‌عنوان یک هم‌رشته‌ای. دانلی و یانگ کارشان را در چارچوب نظریه‌ی کنش متقابل نمادین انجام دادند. بر این اساس آن‌ها معتقدند هویت‌یابی در ورزش یک‌بار و برای همیشه اتفاق نمی‌افتد. این فرایند پیوسته است. زمانی که ورزشکار تماس‌اش با

1. Dunelly

2. Yung

هم‌گروهی‌هایش در ورزش کاهش می‌یابد، از میزان پذیرش او نزد هم‌رشته‌ای‌ها نیز کاسته می‌شود.

آن‌ها خاطر نشان کرده‌اند عده‌ای از کسانی که نتوانسته‌اند پیوندهای اجتماعی‌شان را تثبیت کنند و کاملاً مورد پذیرش هم‌تیمی‌ها قرار نگرفته‌اند ممکن است مشارکت ورزشی‌شان چندان به طول نینجامد. به این ترتیب عضویت یا عدم عضویت هر عضو توسط سایر اعضا مدام مورد بازخوانی و ارزیابی واقع می‌شود تا در صورت عدم برآوردن معیارهای عضویت در ادامه عضویت آن‌ها تجدیدنظر صورت پذیرد.

آن‌ها نتیجه می‌گیرند ورزشکار شدن آشکارا قسمتی از فرایند پیچیده کنش متقابل است و این‌گونه نیست که اگر فردی توانست خود را به عضویت یک گروه ورزشی درآورد برای همیشه از سوی سایر اعضا پذیرفته شود، بلکه به‌طور مداوم مانند سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی کنش‌ها مورد بازخوانی و تفسیر مجدد قرار می‌گیرند و در صورت لزوم تصمیمات جدیدی برخلاف پذیرش اولیه اتخاذ خواهد شد (دانلی، ۲۰۰۱: ۳۰-۳۵).

مشارکت یا عدم مشارکت؛ عنوان تحقیق دیگری است که توسط آیتا وایت^۱ در سال ۱۹۹۹ انجام شده است. در این تحقیق وایت به دنبال بررسی این مسئله بوده است که چرا عده‌ای از جوانان ساکن محلات کارگری شرق لندن از برنامه‌هایی که برای گسترش ورزش میان جوانان اجرا می‌شود استقبال می‌کنند در حالی که عده دیگری مایل به مشارکت در چنین فعالیت‌هایی نیستند. او مشارکت یا عدم مشارکت ورزشی را نتیجه ترکیبی از این عوامل معرفی کرده است: - چگونگی سازگاری بین عقاید در مورد مشارکت ورزشی با دیگر علایق و هدف‌ها در زندگی.

- تمایل ورزشکاران به گسترش و بروز شایستگی به نحوی که توسط دیگران شناخته شده و مورد احترام قرار گیرند.

- حمایت اجتماعی از مشارکت و دسترسی به منابع مورد نیاز برای مشارکت (زمان، حمل و نقل، لوازم و پول).

وایت برای انجام این کار به بررسی داستان‌هایی پرداخت که هرکدام از این ورزشکاران از جریان ورزشکار شدن‌شان ارائه کردند. او با مجموعه‌ای از استدلال‌ها برای مشارکت یا عدم مشارکت ورزشی در میان ورزشکاران مواجه شد. رویکرد وی در این تحقیق کنش متقابل‌گرایی بود. جوانان مورد مطالعه، پاسخگویان صرف به جهان پیرامون نبودند. آن‌ها فعالانه درباره این‌که

1. white

چگونه ورزش با اجزاء زندگی‌شان و آنچه در آینده خواهان انجام آن هستند مرتبط می‌شود، به تأمل پرداخته بودند. این تصمیمات مبتنی بر نتیجه‌گیری‌های آینده‌نگرانه آن‌ها بود. الگوهای مشارکت ورزشی این گروه، بسته به دسترسی به فرصت‌ها، تغییرات در زندگی و تغییرات در شیوه نگرش به دنیای پیرامون در طول زمان تغییر می‌کرد و این نکته حکایت از این فرض در ورزش دارد که افراد یک‌بار و برای همیشه الگوی مشارکت ورزشی را درونی نمی‌سازند، بلکه برحسب شرایط و موقعیت‌ها تغییر رویه می‌دهند.

وایت به این نتیجه رسید که تصمیم در مورد مشارکت ورزشی در طول مسیر زندگی به تلقی فرهنگی از اهمیت ورزش و ارتباط بین ورزش و دست‌یابی به دیگر اهداف شخصی بستگی دارد.

بنابراین در مطالعات مربوط به جامعه‌پذیری ورزشی باید به شیوه‌های سازمان زندگی، ایدئولوژی فرهنگی در مورد ورزش و نگاه به شکوفایی استعدادها توجه شود. او نشان داد مشارکت ورزشی مبتنی بر فرایندهایی از قبیل تصمیم‌گیری برای خودنمایی، حمایت اجتماعی، پذیرش اجتماعی و مسائل فرهنگی است. بر این اساس مردم هرگز یک‌بار و برای همیشه درباره مشارکت‌شان تصمیم‌گیری نمی‌کنند بلکه این پدیده یک فرایند تدریجی است (وایت، ۱۹۹۹: ۵۷-۶۴).

جمع‌بندی بخش نظری

در این تحقیقات آنچه مورد توجه جدی قرار دارد، توجه به فرایند پذیرش فرد در میان گروه‌های ورزشی به‌عنوان فرایندی تدریجی است که تحت تأثیر عوامل متعدد به‌ویژه گروه‌های مهم، و در طول زمان شکل می‌گیرد. در تحقیق حاضر ما با الگوگیری از تحقیقات فوق و با اتکا به رویکرد کنش متقابل به تحلیل فرایند جامعه‌پذیری ورزشی در میان ورزشکاران یک استان ورزش خیز و ورزش‌دوست پرداخته‌ایم و به‌طور خاص نقش و اهمیت خانواده را در این فرایند مورد بررسی قرار داده‌ایم. بر این اساس فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

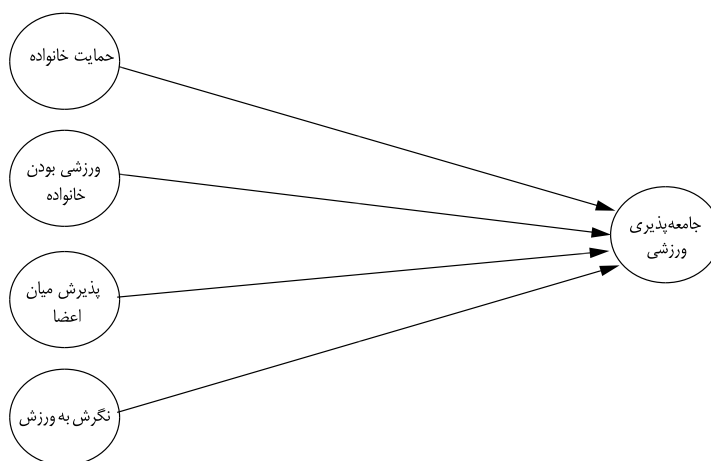
فرضیات تحقیق

فرضیه ۱: به‌نظر می‌رسد بین حمایت خانواده از ورزشکار و جامعه‌پذیری ورزشی رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: به‌نظر می‌رسد بین ورزشی بودن خانواده و جامعه‌پذیری ورزشی رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین نگرش خانواده در مورد ورزش و جامعه‌پذیری ورزشی رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین میزان پذیرش اعضای خانواده و جامعه‌پذیری ورزشی رابطه وجود دارد.



مدل تحقیق

روش تحقیق

مقاله حاضر حاصل یک تحقیق کمی پیمایشی است که در سال ۱۳۸۷ در میان ورزشکاران باشگاه‌های ورزشی شهر اهواز انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه و نمونه مورد مطالعه ۴۰۰ نفر از ورزشکاران اهوازی است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده و برای انتخاب نمونه‌ها به باشگاه‌های ورزشی فعال مراجعه شده است. به این صورت که از میان ۲۵ باشگاه ورزشی که حداقل در چهار رشته ورزشی فعالیت داشتند، ۸ باشگاه به صورت تصادفی انتخاب و در میان هر باشگاه نیز ۵۰ پرسشنامه به صورت نمونه‌گیری تصادفی توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، با استفاده از آماره‌های مربوطه در نرم‌افزار SPSS به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. روایی این تحقیق با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ تعیین گردید.

متغیرها و مفاهیم تحقیق

متغیر وابسته

در این تحقیق «جامعه‌پذیری ورزشی» به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. «جامعه‌پذیری در ورزش عبارت از عوامل و شرایطی است که طی آن کودکان و نوجوانان درگیر ورزش می‌شوند و آن را ادامه می‌دهند» (اشنایدر، ۱۹۷۸: ۵۷). این متغیر شامل چند بعد مختلف است که از ترکیب آن‌ها با یکدیگر میزان جامعه‌پذیری ورزشی مورد سنجش قرار گرفته است. این ابعاد عبارت‌اند از:

— شناخت و آگاهی در مورد مسائل ورزشی

— نگرش در مورد نقش ورزش در زندگی

— شناخت خود به‌عنوان ورزشکار

— تعهد نسبت به ورزش

هرکدام از این ابعاد با استفاده از گویه‌هایی که برای سنجش آن‌ها در پرسشنامه طراحی شده‌اند مورد سنجش قرار گرفته‌اند و در تحلیل نهایی، از ترکیب آن‌ها شاخصی ترکیبی برای سنجش جامعه‌پذیری ورزشی ساخته شده است.

شناخت و آگاهی از ورزش

تصمیم در مورد مشارکت ورزشی در طول مسیر زندگی به تلقی فرد از اهمیت ورزش و ارتباط بین ورزش و دست‌یابی به دیگر اهداف شخصی بستگی دارد. این طرز تلقی می‌تواند در قالب بازتاب رویدادهای ورزشی در رسانه‌ها و گفت‌وگوهای مردم در سطح جامعه محقق شود. به‌عبارت دیگر افراد در مرحله اولیه که از آن به‌عنوان درگیر شدن در ورزش نام برده می‌شود، لازم است در معرض پیام‌ها و اطلاعاتی قرار گیرند که در سطح جامعه به شکل‌های متنوع انتشار می‌یابند. در این مرحله فرد براساس کمیت و کیفیت اطلاعاتی که در دسترس دارد از ورزش و مسائل مربوط به آن آگاهی خاصی به‌دست می‌آورد که می‌تواند در جهت‌گیری او به سمت ورزش مؤثر واقع شود. بنابراین در این‌جا منظور از شناخت و آگاهی عبارت است از میزان آگاهی و اطلاعات فرد در مورد جنبه‌های فنی و تخصصی یک رشته ورزشی خاص، شناخت قهرمانان هر رشته، در دسترس بودن مکان‌های هر رشته و...

نگرش در مورد نقش ورزش در زندگی

افراد معمولاً برای انجام کارهای خود استدلال‌های مختلفی ارائه می‌دهند. علاقه، اجبار، تقلید، مد و... بخشی از استدلال‌هایی هستند که افراد می‌توانند در توضیح کارهای خود ارائه

نمایند. اما «معمولاً کسانی که کاری را با علاقه انجام می‌دهند در مقایسه با دیگران از استمرار بیشتری در انجام کار خود برخوردارند. به عبارت دیگر در بسیاری از امور که براساس میل و رغبت انجام می‌شوند تداوم بیشتری دیده می‌شود» (هورن، ۲۰۰۰: ۱۴۳).

افراد در جریان زندگی اجتماعی و کنش با کسانی که در عرصه ورزش فعالیت می‌کنند و بر مبنای تفسیری که از زندگی ورزشکاران در مقابل غیر ورزشکاران دارند، به نوعی درک و شناخت نسبت به تأثیر ورزش در زندگی افراد پی می‌برند. بر این اساس افراد در مراحل اولیه ورود به ورزش دارای یک نوع درک و شناخت هستند و براساس همین درک و شناخت نسبت به مسائل مربوط به دنیای ورزش حساسیت پیدا می‌کنند. این نگرش ممکن است با گذشت زمان و ورود فرد به عرصه ورزش دچار تغییر شود.

شناخت خود به عنوان ورزشکار

بر مبنای تحقیق استیونسون (۱۹۹۹) زمانی فرد می‌تواند به فعالیت خود در ورزش ادامه دهد که از سوی دیگران مهم به عنوان ورزشکار شناخته شود. افراد ضمن به دست آوردن شناخت اولیه نسبت به یک رشته ورزشی به صورت مقدماتی درگیر آن می‌شوند. در این مرحله افراد به دلیل ورود به یک موقعیت جدید لازم است از سوی دیگران، خصوصاً دیگران مهم مورد شناسایی واقع شوند. «اهمیت این مرحله به خاطر حساسیت آن در شکل‌گیری چیزی است که روزنبرگ از آن به عنوان برداشت از خود یاد می‌کند. روزنبرگ برداشت از خود را این چنین تعریف می‌کند: جامعیت اندیشه‌ها و احساساتی که فرد در ارجاع به خودش به عنوان یک شناخته عینی دارد» (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۹۰). بنابراین شناخت خود به عنوان ورزشکار یکی از مراحل مهم فرایند جامعه‌پذیری ورزشی است.

تعهد نسبت به ورزش

معمولاً از کسانی که در حوزه‌ای وارد می‌شوند انتظار می‌رود تا حد امکان نسبت به اصول آن پای بند بوده و الزامات آن را رعایت کنند. به نظر پیتر دانلی و کوین یانگ «فرایندی که طی آن فرد به عضویت یک خرده فرهنگ ورزشی در می‌آید و براساس این موقعیت جدید عمل می‌کند، مستلزم گسترش شناخت است و بر مبنای این شناخت است که فرد تصمیم می‌گیرد در این عرصه باقی بماند یا این که مسیر و جهت خود را تغییر دهد» (کوکلی، ۲۰۰۱: ۸۳). اگر فرد ضمن به دست آوردن شناخت از این وضعیت جدید، آن را منطبق با شرایط خود یافت در آن صورت برای ادامه کار و پذیرش در این خرده فرهنگ ورزشی خود را ملزم به رعایت اصول و قواعد آن

رشته ورزشی اعم از قواعد فنی و مسائل اخلاقی می‌داند. در این صورت است که می‌توان گفت این فرد بخشی از فرایند جامعه‌پذیری در ورزش را طی کرده است. برای سنجش جداگانه هریک از این ابعاد چهارگانه، ۲۰ گویه طراحی شده و با ترکیب آنها مقیاس اصلی جامعه‌پذیری ساخته شد. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۳ به‌دست آمد.

متغیر مستقل: ابعاد مختلف خانواده

— ورزشی بودن خانواده؛

— نگرش خانواده در مورد ورزش؛

— میزان پذیرش ورزش میان اعضای خانواده؛

— حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی فرد.

ورزشی بودن خانواده: خانواده به‌عنوان بخش عمده‌ای از دیگران مهم، همواره در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی افراد اثرگذار بوده است. رویکرد و جهت‌گیری افراد به بسیاری از مسائل زندگی اجتماعی متأثر از زمینه خانوادگی آنهاست. در این تحقیق میزان توجه و علاقه خانواده‌ها به انجام فعالیت‌های ورزشی چه به‌صورت حرفه‌ای و چه به‌صورت غیر حرفه‌ای تحت‌عنوان خانواده ورزشی در نظر گرفته شده است.

نگرش خانواده در مورد ورزش: افراد برای انجام کارهای خود در بسیاری از مواقع نیازمند کمک و همکاری دیگران هستند. در مورد ورزش نیز وضع به همین صورت است؛ زیرا اگر خانواده به این باور نرسد که ورزش تأثیری مثبت و سازنده در زندگی فرد دارد نمی‌تواند از او حمایت کند بلکه حتی ممکن است در مسیر ورود او نیز مانع ایجاد کند.

پذیرش ورزش میان اعضای خانواده: عمده‌ترین مسئله در فرایند جامعه‌پذیری افراد به‌واسطه خانواده، میزان تعاملات اعضای خانواده با همدیگر و اثرپذیری آنها از یکدیگر است. افراد ضمن تعامل با یکدیگر و در قالب تبادل نظر پیرامون مسائل گوناگون تحت تأثیر الگوها و رفتارهای یکدیگر قرار می‌گیرند. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که در فرایند جامعه‌پذیری ورزشی، میزان پذیرش در میان اعضای خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه صرف در کنار هم بودن برای تحقق جامعه‌پذیری کافی نیست، بلکه پذیرش و الگو قرار دادن رفتارهای خانواده است که موجب تأثیرپذیری فرد می‌گردد.

حمایت خانواده از فعالیت ورزشی فرد: منظور از حمایت، کلیه اعمالی است که سبب می‌شود فرد به سمت ورزش روی بیاورد، فعالانه ورزش کند و الزامات آن را فرا گرفته به آن عمل کند. براساس تحقیقات انجام شده، «یکی از الزامات اولیه برای آشنایی مقدماتی با ورزش،

حمایتی است که خانواده از فرد به عمل می‌آورد تا بتواند ضمن ورود مقدماتی به دنیای ورزش بر مبنای علاقه و توانایی و کنش متقابل با ورزشکاران نسبت به ادامه یا کناره‌گیری از یک رشته ورزشی تصمیم‌گیری نماید» (اشنايدر، ۱۹۷۸: ۵۵).
آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای ابعاد مختلف خانواده نیز بالاتر از ۰/۸۲ محاسبه گردید.

یافته‌های تحقیق

در ادامه مطلب، یافته‌های تحقیق در قالب جداول توصیفی و تحلیلی ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف: جداول توصیفی:

جدول شماره ۱. نگرش افراد در مورد نقش ورزش در زندگی

نگرش به نقش ورزش در زندگی	درصد	درصد تجمعی
خیلی منفی	۶/۱	۶/۱
منفی	۲۶/۴	۳۲/۵
متوسط	۲۹/۲	۶۱/۷
مثبت	۳۳	۹۴/۷
خیلی مثبت	۴/۸	۱۰۰
جمع	۱۰۰	-

چنان‌که در جدول مشاهده می‌شود از میان پاسخ‌گویان که ۳۹۲ نفر بوده‌اند، در زمینه نگرش به نقش ورزش ۳۰/۵ درصد افراد نگرش خیلی منفی و منفی نسبت به نقش ورزش در زندگی‌شان دارند، ۲۹/۲ درصد دارای نگرش متوسط و ۳۶/۸ درصد افراد نمونه نیز نگرش مثبت و خیلی مثبت داشته‌اند. این داده‌ها نشان می‌دهد که ورزشکاران نسبت به نقش ورزش در زندگی رویکرد نسبتاً مثبتی دارند.

جدول شماره ۲. بررسی میزان تعهد افراد ورزشکار نسبت به ورزش

تعهد نسبت به ورزش	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۲	۱۲
کم	۲۲	۳۴
متوسط	۳۸/۳	۷۲/۳
زیاد	۲۵/۵	۹۷/۸
خیلی زیاد	/۲	۱۰۰
جمع	۱۰۰	-

طبق یافته‌های ارائه شده در جدول شماره ۲، از ۳۹۲ نفر از جمعیت نمونه ۳۴ درصد افراد تعهد خیلی کم و کم نسبت به مسائل مربوط به ورزش ابراز داشته‌اند، ۳۸/۳ درصد تعهد متوسطی در مورد ورزش ابراز داشته‌اند. ضمن آن‌که ۲۵/۷ درصد پاسخ‌گویان تعهد بالا و خیلی بالا نسبت به رشته ورزشی خود دارند. به عبارت دیگر میزان تعهد پاسخ‌گویان نسبت به ورزش نسبتاً پایین است.

جدول شماره ۳. میزان اطلاعات افراد در مورد ورزش

میزان شناخت و آگاهی ورزشی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۴/۱	۱۴/۱
کم	۲۴/۱	۳۸/۲
متوسط	۲۷/۹	۶۶/۱
زیاد	۳۰/۹	۹۸
خیلی زیاد	۱/۸	۱۰۰
جمع	۱۰۰	-

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از میان پاسخ‌گویان نمونه (۳۹۵ نفر) در زمینه داشتن شناخت و آگاهی در مورد مسائل ورزشی، ۳۸/۲ درصد افراد شناخت خیلی کم و یا کمی از مسائل ورزشی دارند، ۲۷/۹ درصد اطلاعات‌شان در حد متوسط است و ۳۳ درصد دارای سطح اطلاعات بالا و خیلی بالا هستند. این داده‌ها نشان‌گر آن است که میزان اطلاعات درباره حوزه ورزشی نسبتاً بالا است.

جدول شماره ۴. میزان شناخت افراد از خود به عنوان ورزشکار

شناخت خود به عنوان ورزشکار	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۵	۵
کم	۲۵	۳۰
متوسط	۳۹	۶۹
زیاد	۲۷/۳	۹۶/۳
خیلی زیاد	۲	۱۰۰
جمع	۱۰۰	-

طبق یافته‌های حاصل از جدول شماره ۴ از میان پاسخ‌گويانی که به سؤالات مربوط به سنجش میزان شناخت خود به عنوان ورزشکار پاسخ داده‌اند، (۳۹۳ نفر) ۳۰ درصد شناخت

خیلی کم و کمی از خود به عنوان ورزشکار داشته‌اند، ۳۹ درصد پاسخ‌گویان شناخت‌شان در حد متوسط ۳۱ درصد شناخت‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. به عبارت دیگر شناخت از خود به عنوان ورزشکار بالاتر از متوسط است.

جدول شماره ۵. رابطه بین حمایت خانواده با جامعه‌پذیری ورزشی

حمایت	جامعه‌پذیری	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجموع
خیلی کم	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۲/۹	۰/۲/۹	۰/۲/۹	۰	۰/۸/۳
کم	۰/۲/۴	۰/۴/۸	۰/۸/۶	۰/۵/۹	۰/۲/۹	۰/۲/۹	۰/۲۴/۷
متوسط	۰/۸/۳	۰/۹/۷	۰/۸/۳	۰/۴	۰/۱/۱	۰/۳/۱/۴	۰/۳۱/۴
زیاد	۰/۷	۰/۱۲/۱	۰/۸/۳	۰/۳/۵	۰/۱/۶	۰/۳۲/۴	۰/۳۲/۴
خیلی زیاد	۰/۰/۸	۰/۱/۳	۰/۰/۵	۰/۰/۳	۰/۱/۶	۰/۲/۲	۰/۲/۲
جمع	۰/۲۰/۱	۰/۲۸/۶	۰/۲۸/۷	۰/۱۶/۶	۰/۵/۹	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰

df = ۱۶

$X^2 = ۴۵,۱۵۹$

Sig = ۰/۰۰۰

kendalls Tau-b = ۰/۱۸۵

منظور از جامعه‌پذیری ورزشی عوامل و شرایطی است که سبب ورود فرد به عرصه ورزش و پذیرش الزامات مربوط به نقش ورزشی است. حمایت خانواده نیز مجموعه‌ای از تشویق‌ها و رفتارهای جهت دهنده‌ای است که ورود فرد به عرصه ورزش را تسهیل می‌کند. با توجه به نسبت‌های محاسبه شده بین دو متغیر جامعه‌پذیری ورزشی و حمایت خانواده که در جدول شماره ۵ آمده است، بین جامعه‌پذیری ورزشی و حمایت خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس با ۹۹ درصد اطمینان فرض مذکور پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو b، ۰/۱۸۵ است که بیانگر رابطه معنادار و مستقیم بین جامعه‌پذیری ورزشی و حمایت خانواده است. یعنی هرچه حمایت خانواده از ورزشکار بیشتر باشد میزان جامعه‌پذیری ورزشی فرد نیز بیشتر است.

پذیرش بین اعضای خانواده عبارت است از میزان تعاملات و الگوپذیری افراد خانواده از یکدیگر. براساس نسبت‌های محاسبه شده بین دو متغیر جامعه‌پذیری ورزشی و پذیرش اعضای خانواده که در جدول شماره ۶ ارائه شده است، با ۹۵ درصد اطمینان رابطه بین پذیرش اعضای خانواده و شکل‌گیری جامعه‌پذیری ورزشی پذیرفته می‌شود. در ضمن میزان همبستگی بین دو متغیر بر مبنای ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو b، ۰/۱۳۵ است که بیانگر رابطه معنادار و مستقیم بین جامعه‌پذیری ورزشی و پذیرش اعضای خانواده می‌باشد. به عبارتی هرچه پذیرش بیشتر باشد جامعه‌پذیری ورزشی قوی‌تر خواهد بود.

جدول شماره ۶: رابطه بین پذیرش اعضا خانواده و جامعه‌پذیری ورزشی

مجموع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جامعه‌پذیری
%۸۳	%۰	%۱/۶	%۴	%۲/۱	%۰۵	پذیرش
%۲۵/۲	%۰	%۳/۸	%۱۲/۶	%۶/۴	%۲/۴	خیلی کم
%۳۱/۱	%۰	%۳/۹	%۱۰/۷	%۱۴/۲	%۲/۴	کم
%۳۲/۲	%۱/۳	%۳/۲	%۹/۷	%۱۵/۳	%۲/۷	متوسط
%۴/۲	%۰۳	%۰	%۰۳	%۲/۱	%۰۵	زیاد
%۱۰۰	%۱/۶	%۱۲/۳	%۳۷/۳	%۴۰/۲	%۸/۳۶	خیلی زیاد
	%۶					جمع

df = ۱۶

$X^2 = ۴۳,۵۹۲$

Sig = ۰/۰۵

kendalls Tau-b = ۰/۱۳۵

جدول شماره ۷: بررسی رابطه بین نگرش خانواده به ورزش و جامعه‌پذیری ورزشی

مجموع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جامعه‌پذیری
%۸۳	%۱/۳	%۱/۳	%۱/۹	%۳/۵	%۰۳	نگرش خانواده
%۲۴/۹	%۱/۶	%۳/۲	%۸	%۷/۲	%۴/۸	خیلی منفی
%۲۴	%۰۳	%۲/۴	%۴/۸	%۱۵	%۸/۶	منفی
%۳۲/۶	%۲/۷	%۲/۷	%۵/۹	%۱۴/۲	%۷/۲	متوسط
%۴/۲	%۰	%۰	%۰۳	%۱/۹	%۱/۱	مثبت
%۱۰۰	%۵/۹	%۹/۶	%۲۰/۹	%۴۱/۷	%۲۱/۹	خیلی مثبت
						جمع

df = ۱۶

$X^2 = ۳۸,۷$

Sig = ۰/۰۵

kendalls Tau-b = ۰/۱۴۰

نگرش خانواده مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها نسبت به ورزش است که در حمایت خانواده از ورود به عرصه ورزش مؤثر است. براساس نسبت‌های محاسبه شده که در جدول شماره ۷ آمده است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. ضمن آن‌که میزان همبستگی کندال تاو b مقدار ۰/۱۴۰ را نشان می‌دهد که مبین رابطه معنادار و مستقیم بین جامعه‌پذیری ورزشی و نگرش اعضا می‌باشد. یعنی هرچه نگرش خانواده به ورزش مثبت‌تر باشد، میزان جامعه‌پذیری ورزشی فرد نیز قوی‌تر است.

جدول شماره ۸. بررسی رابطه بین خانواده ورزشی و جامعه‌پذیری ورزشی

خانواده ورزشی	جامعه‌پذیری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع
خیلی کم	۰.۵٪	۱.۶٪	۱.۶٪	۱.۶٪	۴.۳٪	۰.۳٪	۸.۴٪
کم	۱.۴٪	۲٪	۸.۲٪	۹.۵٪	۲.۲٪	۲.۲٪	۲۴.۲٪
متوسط	۱.۴٪	۹.۵٪	۱۰.۳٪	۹.۵٪	۱.۱٪	۱.۱٪	۳۱.۸٪
زیاد	۳٪	۱۳٪	۷.۶٪	۶.۸٪	۱.۴٪	۱.۴٪	۳۲.۳٪
خیلی زیاد	۰.۸٪	۱.۴٪	۰.۸٪	۰.۳٪	۰٪	۰٪	۲.۳٪
جمع	۷.۱٪	۲۹.۱٪	۲۸.۵٪	۳۰.۴٪	۴.۹٪	۰٪	۱۰۰

df = ۱۶

$X^2 = ۴۵,۱۵۹$

Sig = ۰/۰۰

kendalls Tau-b = ۰/۲۴۰

خانواده ورزشی خانواده‌ای است که مباحث ورزشی در آن شامل بحث ورزشی، تماشای مسابقات ورزشی و طرفداری از تیم‌ها، و مشارکت ورزشی در آن زیاد باشد. با توجه به نسبت‌های محاسبه شده بین دو متغیر جامعه‌پذیری ورزشی فرد و ورزشی بودن خانواده که در جدول شماره ۸ ارائه شده، رابطه این دو متغیر با ۹۹ درصد اطمینان پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو و b مقدار ۰/۲۴۰ است که نشان از رابطه مستقیم و معنادار بین جامعه‌پذیری ورزشی فرد و ورزشی بودن خانواده دارد. پس، هرچه خانواده ورزشی تر باشد، جامعه‌پذیری ورزشی فرد بیشتر است. بر این اساس چهار فرضیه تحقیق اثبات می‌شود و نتیجه می‌گیریم که چهار مفهوم اصلی مطرح شده در مدل تحقیق که نشان‌گر ابعاد مختلف خانواده ورزشی است، بر فرایند جامعه‌پذیری ورزشی ورزشکاران تأثیر تعیین‌کننده و معنادار دارند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی فرایندی است که طی آن افراد ضمن آشنایی مقدماتی وارد عرصه ورزش می‌شوند و با گذشتن از مراحل مختلف، به‌عنوان ورزشکار شناخته می‌شوند. در این راستا به تحلیل این موضوع پرداختیم که ورزشکار شدن پدیده‌ای است که می‌توان آن را مانند سایر الگوهای رفتاری براساس فرایند جامعه‌پذیری مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر این نکته را مطرح کردیم که ورزشکار شدن نمی‌تواند به صورت اتفاقی و یک‌باره و براساس توانایی صرف بدنی محقق شود، بلکه فرایندی اجتماعی است که متأثر از عوامل اجتماعی از جمله ابعاد اجتماعی خانواده فرد حاصل می‌شود.

برای این منظور به طرح دیدگاه کسانی پرداختیم که معتقد بودند ورزشکار شدن مستلزم این

است که فرد تحت تأثیر عوامل جامعه‌پذیری قرار گرفته و جامعه‌پذیر شود. برای بررسی نحوه جامعه‌پذیری ورزشی با استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین و مفاهیم مهم این نظریه از قبیل دیگران مهم و برداشت از خود، به بررسی نحوه شکل‌گیری رفتارهایی پرداختیم که در زندگی اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردارند. در این راستا به دو مرحله مهم شکل‌گیری جامعه‌پذیری ورزشی یعنی مرحله درگیر شدن و مرحله درگیر ماندن اشاره کردیم. در مرحله درگیر شدن، فرد در جریان تعامل با دیگران و استفاده از منابع اطلاع‌رسانی با ورزش به صورت مقدماتی آشنا می‌شود. در این مرحله فرد اطلاعاتی راجع به رشته ورزشی، قهرمانان آن، نحوه انجام فعالیت‌های ورزشی و برخی از مسائل دیگر به دست می‌آورد. پس از آن با حمایت‌هایی که از سوی دیگران خصوصاً خانواده دریافت می‌کند وارد یک گروه ورزشی می‌شود. پس از آن ضمن تعامل با اعضای گروه و بر مبنای توانایی و علاقه فردی و همچنین نحوه برخورد گروه با او ورزش را ادامه می‌دهد. ادامه فعالیت فرد به عنوان ورزشکار مستلزم آن است که فرد برداشتی از خود به عنوان ورزشکار به دست آورد. این کار نیز مستلزم آن است که فرد از سوی دیگران مهم خصوصاً اطرافیان و خانواده مورد تأیید و شناسایی قرار گیرد.

در این تحقیق جامعه‌پذیری ورزشی را به عنوان فرایندی در نظر گرفتیم که از آشنایی مقدماتی فرد با ورزش شروع می‌شود، سپس فرد براساس برخورد اطرافیان با مقوله ورزش و نیز تجارب ورزشکاران، به نگرشی از ورزش و نقش آن در زندگی دست می‌یابد. پس از آن فرد با ورود به دنیای ورزش اگر توانست از عهده نقش‌ها و الزاماتی که در یک گروه ورزشی وجود دارد بر آید، از سوی افراد گروه ورزشی به عنوان ورزشکار شناخته و پذیرفته می‌شود. در این راستا خانواده به عنوان مهم‌ترین عاملی که رفتارهای مختلف فرد را جهت‌دهی می‌کند از اهمیت اساسی برخوردار است. شناسایی و پذیرش فرد از سوی خانواده به عنوان ورزشکار سبب شکل‌گیری برداشت از خود به عنوان ورزشکار می‌شود که عامل مهمی در جامعه‌پذیری تلقی می‌شود.

فرضیات این تحقیق با استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین و تحقیقات تجربی پیشین در این زمینه تدوین گردیده‌اند. چهار فرضیه این تحقیق به بررسی تأثیر ابعاد مختلف خانواده نظیر ورزشی بودن خانواده، نگرش خانواده در مورد نقش ورزش در زندگی، میزان پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده، و حمایت خانواده از ورزش بر فرایند جامعه‌پذیری ورزشی پرداخته‌اند. با تحلیل یافته‌ها نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

میزان جامعه‌پذیری ورزشی کسانی که در خانواده‌های آن‌ها سابقه وجود فرد ورزشکاری وجود داشته از کسانی که در آن‌ها کسی ورزشکار نبوده بیشتر بوده است. میزان جامعه‌پذیری

ورزشی کسانی که خانواده آن‌ها نگرشی مثبت در مورد نقش ورزش در زندگی داشته‌اند، از ورزشکارانی که خانواده آن‌ها نگرش مثبتی نسبت به ورزش نداشته‌اند بیشتر بوده است. ورزشکارانی که پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده آن‌ها زیاده‌تر بوده، یعنی افراد خانواده تعامل بیشتری با هم داشته و یکدیگر را قبول دارند و در نتیجه تأثیر بیشتری از رفتارهای یکدیگر می‌پذیرفته‌اند، در مقایسه با ورزشکارانی که پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده آن‌ها کمتر بوده، از میزان جامعه‌پذیری ورزشی بیشتری برخوردار بوده‌اند. ورزشکارانی که خانواده آن‌ها از ورزش کردن آن‌ها حمایت کرده‌اند در مقایسه با کسانی که خانواده آن‌ها مخالف ورزش کردن آن‌ها بوده‌اند، از میزان جامعه‌پذیری ورزشی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

به این ترتیب ملاحظه شد که خانواده در میزان جامعه‌پذیری ورزشی از اهمیت زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر هرچند ممکن است افراد تحت تأثیر عوامل مختلف جامعه‌پذیر شوند اما این تحقیق نشان می‌دهد ابعاد مختلف خانواده نقشی تعیین‌کننده در جامعه‌پذیری ورزشی آن‌ها داشته است.

توجه به ورزش در جامعه امروز که کشمکش و آسیب در آن زیاد است می‌تواند به عنوان راهکاری برای کمک به اعضای جامعه برای کسب آرامش و سلامت جسمی و روحی قلمداد شود. محققان مختلف از جمله متخصصان حوزه سلامت، بسیاری از نام‌آیامات جسمی و روحی را مستقیم یا غیرمستقیم با ورزش مرتبط می‌دانند. تحقیقات مختلف نیز وجود رابطه بین ورزش و شاخص‌های سلامت جسمی و روحی و نیز قدرت معنوی و شخصیتی مانند اتکا و اعتماد به نفس را تأیید می‌کنند. همچنین در میان مردم و در قالب عرف و آداب اجتماعی از ورزش به عنوان عاملی سازنده و مفید یاد می‌شود. از این رو توجه به ورزش و تلاش در جهت گسترش آن در جامعه می‌تواند سبب ایجاد تغییرات مثبت و جلوگیری از به وجود آمدن آسیب‌های مختلف در میان اعضای جامعه شود.

اما با وجود اذعان به سازنده بودن ورزش از سوی کسانی که حتی خود ورزش نمی‌کنند، باز هم شاهد همه‌گیری و رواج آن در بین اعضای جامعه نیستیم. براساس یافته‌های این تحقیق ورزشکار شدن مستلزم این است که فرد جامعه‌پذیر شود و نمی‌توان انتظار داشت افراد به یکباره و یکبار برای همیشه وارد دنیای ورزش شوند و آن را ادامه دهند. همچنین این کار به صورت دستوری نیز قابل تحقق نیست. برای این منظور لازم است زمینه برای جامعه‌پذیری ورزشی افراد در جامعه فراهم شود. این کار با استفاده از ظرفیت‌های موجود در جامعه مانند رسانه‌ها قابل تحقق است.

خانواده به‌خاطر گستره و عمق تأثیراتی که بر فرد در طول زندگی دارد از جایگاه مهمی در